

تکه‌ای ناپیدا از مردم



احمدغلامی

مشکل کنونی مردم ایران چیزی نیست جز مردمی که ناپدید شده‌اند. آنان نه مردمی‌اند که قادر باشند دست به کنش سیاسی بزنند و نه انبوه خلق‌اند بدون خصلت سیاسی. هابز «مردم» را از «انبوه خلق» جدا می‌کند و فرضیه‌ای بنیادین و پارادوکسیکال بنا می‌کند. آگامین برای روشن‌نمایی از این فرضیه هابز، نقل‌قولی مستقیم از او می‌آورد: «مردم چیزی واحد است، که واجد اراده‌ای واحد است و کنشی واحد را به آن می‌توان نسبت داد. هیچ‌کدام از اینها را درمورد انبوه نمی‌توان گفت. مردم در هر شهر حاکم است؛ حتی در یک مونارشی مردم است که حکم می‌راند، زیرا اراده مردم اراده‌ای است همچون اراده شخصی واحد». قبل از ادامه نقل‌قول هابز باید به این نکته توجه کرد که او حتی بنای حکومت مونارشی (پادشاهی) را اراده مردم می‌داند. پادشاهی که قدرتش همان اراده مردم است. امری که در دوره‌های تاریخی پادشاهی ایران به‌ندرت دیده شده است. در حکومت‌های انبوهه (جمعیت) هم نبودند؛ آنان رعایتی بودند تحت قیمومت پادشاه. پس ایرانیان کنونی در فخرفروشی به گذشته باید محتاطانه عمل کنند و برای بازگشت به تاریخ نکاهی انتقادی داشته باشند تا سره را از ناسره جدا کنند و در دامگهی که خشم‌شان تدارک دیده نیفتند. بگذریم. به نقل‌قول هابز برگردیم که برای بنای جامعه کنونی ایران به کار می‌آید. هابز می‌گوید: «در یک دموکراسی و یک آریستوکراسی، شهروندان انبوهه هستند؛ اما شورا همان مردم است. و در یک مونارشی، اتباع انبوهه‌اند و (هرچند این پارادوکس است)، شاه مردم است. مردمان عامی، و دیگران که درکی از این امور ندارند، همواره از شمار عظیمی از آدمیان، یعنی از شهر، تحت عنوان مردم سخن می‌گویند؛ می‌گویند که شهر علیه شاه قیام می‌کند (که نامکن است)، و مردم خواهان همان چیزی هستند که اتباع دردسرساز و نجواگر می‌خواهند؛ و تحت لویای مردم، شهروندان را علیه شهر تحریک می‌کنند. یعنی انبوهه را علیه مردم». جالب شد، مردمی که کنشگر سیاسی‌اند و اراده آنان همان اراده شاه است و این اراده در شاه وحدت می‌یابد، دستخوش اضطراب انبوهه می‌شوند. اگر به روایت آگامین از هابز برگردیم، او این‌گونه پاسخ می‌دهد: «در همان لحظه که مردم حاکم را انتخاب می‌کند، خود را در قالب انبوهه‌ای مغشوش و پراکنده منحل می‌سازد.

این فظ در نظام‌های سلطنتی رخ نمی‌دهد، یعنی نظامی که در آن به‌محض انتخاب شاه، مردم دیگر یک شخص نیست بلکه انبوهه‌ای فروپاشیده است، زیرا مردم تنها به‌واسطه قدرت حاکمه بود که یک شخص را تشکیل داد، که حال آن را به شاه تفویض کرده است؛ اما حتی در یک دموکراسی یا آریستوکراسی نیز چنین است، که در آنها به‌محض تشکیل شورا، مردم هم‌زمان منحل می‌شود». تجربه سیاسی ما هم چیزی جز این را نشان نمی‌دهد. مردم کنشگران سیاسی‌اند که پای صندوق‌های رأی می‌روند و منفک‌شده از انبوهه، فردی را به‌عنوان رئیس‌جمهور برمی‌گزینند. آنان تا زمانی که رئیس‌جمهور بر اریکه قدرت ننشسته است همچنان مردم هستند. آنگاه که مردم به او قدرت بخشیدند و به نماد قدرت درآمد، مردم در دل انبوهه منحل می‌شود. از این منظر است که این ایده قوت می‌گیرد که دموکراسی‌ها صرفاً مشارکت در بازی قدرت است و این بازی مثل هر بازی دیگری آغاز و انجامی دارد و مهم‌تر از همه اینکه این برگزیدگان نمی‌توانند به‌عنوان نماینده مردم دست به اقدامات همه‌جانبه بزنند. رئیس‌جمهور منتخب بیش از هر چیز وامدار کنسایتی است که او را به‌عنوان مظهر اراده مردم در اذهان جا انداخته‌اند. در واقع مردم خود انتخاب‌بگر نبوده‌اند. انتخاب آنان انتخاب «دیگری» است. پیش از رسیدن به نکته نهایی باز به‌سراغ روایت آگامین از هابز برگردیم: «مردم –بدن سیاسی– تنها به‌شکلی لحظه‌ای در نقطه‌ای وجود دارد که در آن یک شخص، یا شورایی از اشخاص، را نماینده خود قرار می‌دهد؛ اما این نقطه تلاقی می‌کند با محوشدنش در انبوهه‌ای فروپاشیده. بدن سیاسی بدین ترتیب مفهومی ناممکن است، که تنها در تنش بین انبوهه و مردم –حاکم جای دارد؛ بدن سیاسی همواره پیشاپیش در کار منحل ساختن خود در جریان تأسیس حاکم است، و حاکم نیز تنها شخصی مصنوعی است، که وحدتش نتیجه استفاده از دستگاهی بصری یا یک نقاب است. شاید مفهوم بنیادین اندیشه هابز بدن باشد». اینک از این بحث‌ها چه عاید ما می‌شود؟ اگر انبوهه فرومی‌یاشد و مردم نیز در دل انبوهه منحل می‌شوند،

بازی دموکراسی تنش میان انبوهه و مردم، مردم و انبوهه است. اما در اینجا حلقه مفقوده‌ای وجود دارد.

شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴
۲۷ شوال ۱۴۴۶
۲۶ آوریل ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۹۳
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: اصلاح از آتن آغاز می‌شود! • کارخانه تولید بحران • دفاع از طارمی با حمله به رسانه‌ها • اروپا در دوراهی؛ ابتکار ایران یا تکرار انسداد؟

«شرق» از پیشرفت‌های ایران در مذاکرات با آمریکا و آژانس گزارش می‌دهد

باد موافق دیپلماسی

گزارش تینبریک را در صفحه ۳ بخوانید



برای دیدن گفت‌وگو اینجا را اسکن کنید

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید. عکس: سید تاجی شرق

گفت‌وگو با محمد معتمدی

در این سال‌ها بارها ترور شخصیتی شده‌ام

یادداشت

در آستانه دور سوم مذاکرات ایران و ایالات متحده آمریکا



اردوان امیراصلانی

درباره حمایت‌های آمریکا شده است. ازاین‌رو محمد بن سلمان که به‌خوبی با قواعد رئال‌پلیتیک آشنا است، اهمیت ایجاد روابط حسن هم‌جواری با ایران را برای حفظ ثبات منطقه‌ای که لازمه اجرای اهداف پس از نفت اوست، درک کرده است. از سوی دیگر، عربستان سعودی احتمالاً امیدوار است فعالیت‌های منطقه‌ای حوثی‌ها را با استفاده از روابط ایران با آنها مهار کند. از ۱۷ اکتبر و آغاز جنگ در غزه، حوثی‌ها در دریای سرخ و خلیج عدن دست به حملاتی زده‌اند که تجارت دریایی را به‌شدت کند کرده و کشتی‌ها را وادار به تغییر مسیر و عبور از دماغه امید نیک کرده است. درحالی‌که از اواسط ماه مارس ایالات متحده حملات مرگ‌باری علیه این گروه مسلح یمنی انجام داده، حوثی‌ها همچنان به اقدامات خود ادامه می‌دهند و این مسئله باعث افزایش نگرانی‌ها از تشدید تنش در منطقه شده است.دراین‌میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برخلاف مذاکرات منتهی به توافق ۲۰۱۵، در مذاکرات فعلی حضور ندارد. با این حال، مدیرکل این نهاد به‌تازگی به ایران سفر کرده است.

او به‌تازگی در مصاحبه‌ای با روزنامه لوموند نگرانی خود را از احتمال

یادداشت

پیش به سوی دولت تک‌نفره؟



مهرداداحمدی‌شیخانی

تأسیس مجتمع پتروشیمی در منطقه میانکاله، در جلسه هیئت دولت، بلافاصله در گفت‌وگوی تلفنی با استاندار مازندران، ضمن دستور توقف هرگونه عملیات در این زمینه، بر ضرورت برخورد و محاکمه خاطبان تأکید کرد». این خبری بود که باعث خوشحالی بسیاری و مدح و ستایش شخص رئیس‌جمهور از سوی هواداران شد و بسیاری در منقبت آن داد سخن دادند. حالا بگذریم از اینکه در دولت سیزدهم نیز «علی سلاجقه»، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، اعلام کرد «این پروژه مغایر با قوانین محیط‌زیستی است و نباید اجرایی شود»؛ و در واکنش به آن وزارت نفت هم گفت «اگرچه برخی مقامات وزارت نفت تمایل به ادامه پروژه داشتند، اما فشارهای

محیط‌زیستی و تصمیم نهادهای نظارتی منجر به توقف آن شد». نکته‌ای کلیدی در دستور جناب پزشکیان به استاندار مازندران وجود دارد؛ اینکه مگر وزیر کشور در جلسه هیئت دولت غایب بوده و مگر قبلاً وزیر کشور چنین دستوری به استاندار نداده و مگر استاندار از دستور وزیر کشور سرپیچی کرده و مگرتر تا هم، اینکه این چه سازوکار اداری در کشور است که برای جلوگیری از چنین اثر مخربی بر محیط زیست ایران‌مان باید رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، دست به دامان شخص رئیس‌جمهور شود و گسترده‌تر شدن روابط اجتماعی، چه‌کاره است و اصلاً چرا وزیر کشور داریم؟ البته فقط این نیست، یک روز قبل‌تر از آن هم وقتی خیر لغو «جشنواره موسیقی کوچه بوشهر» که یک جشنواره محلی است، از طرف بعضی ذی‌نفعان در آن منطقه منتشر شد، رفع موانعی که منطاً باید از طرف یک کارمند فرمانداری در بوشهر انجام شود، نه از طرف فرماندار، نه از طرف فرماندار، نه معاون وزیر ارشاد، نه وزیر ارشاد یا وزیر کشور و نه معاون رئیس‌جمهور انجام نشده تا بالاخره شخص رئیس‌جمهور وارد کار شده و حالا خبر می‌رسد که به جای فضای باز کوچه، مجوزی برای برگزار آن جشنواره در فضای بسته تالار صادر شده، البته اگر برگزار شود که همان هم هنوز قطعی نیست.

رهبر انقلاب در مراسم عزاداری شهادت امام صادق (ع)؛

خط ائمه، خط ایستادگی و استقامت است

۲

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از پرونده‌های تعرض به کودکان با بررسی ابعاد حقوقی، اجتماعی و روانی این پرونده‌ها

قربانیان کوچک در دام آزارگران

نگاهی به اجراهای خارج از ایران کنسرت نمایش «سی صد»

فرصتی که از دست رفت

استقلال - پیکان؛ نخستین گام جاری برای خروج آبی‌ها از بحران

«هشت شاکی» وارد می‌شود

یادداشت

اعتراض تاریخی هاشمی‌رفسنجانی



محسن‌هاشمی‌رفسنجانی

با توجه به توهین جدید در صداوسیما به خلفا و مقامات عربستان در دو برنامه متفاوت با وجود سفر موفق اخیر وزیر دفاع عربستان به دعوت رئیس ستاد مشترک سردار باقری و اقدام به‌موقع دست‌اندرکاران برای تقبیح آن، بی‌مناسبت نیست که اعتراض تاریخی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به صحبت‌های حذیفی، امام مسجدالنبی نسبت به شیعه و امامان و امام خمینی و عکس‌العمل امیر عبدالله، ولیعهد وقت عربستان یادآوری شود. برای کارشناسان روابط ایران و عربستان و وهابی‌شناسان واقع‌مسرد توجه بوده و فراموش نمی‌شود که از برخورد هوشمندانه و شجاعانه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی یاد می‌کنند. قضیه به این صورت است که ایشان در سفری به دعوت امیر عبدالله به عربستان در نمازجمعه مسجدالنبی مدینه شرکت می‌کنند و وقتی شیخ حذیفی به شیعه و شیعیان توهین کرد، نمازجمعه را با همراهان ترک کرد و این اعتراض به‌موقع به گوش امیر عبدالله رسید و او شیخ حذیفی را به سرعت تنبیه کرد به صورتی که ضمن برکناری چندساله از منصب امام مسجدالنبی که ۵۰ سال آن را یدگ می‌کشید، حتی نواهای قرآن او را که به وفور فروش می‌رفت، جمع می‌کرد. این تنبیه بین مردم عربستان مطرح بوده است و سبب آن را رفسنجانی می‌دانستند.

ایشان در خاطرات ۸ اسفند ۷۶ خود بخش نمازجمعه را چنین می‌نویسد:

متن بخشی از خاطرات ۸ اسفند ۷۶

به مدینه برگشتیم. برای شرکت در نمازجمعه رقتیم. توسط آقای حذیفی اقامه می‌شد. خطبه اول را مفصل خواند. بحث‌ها سیاسی بود. از قدرت‌های بزرگ، اسرائیل و ترکیه و حضور نیروهای خارجی و عراق و سلسله اجانب به‌شدت انتقاد کرد. ولی از شیعه هم به خاطر اهانت شیعه به صحابه و خلفا و عایشه و اعتقاد به مهدی موعود و ولایت فقیه و نبایت امام خمینی از امام زمان به‌شدت انتقاد کرد. من و هم‌راهان به عنوان اعتراض از صفوف جماعت بیرون رفتیم. در اتاق کناری، نمازمان را جداگانه به جماعت خواندیم. به هم‌راهان‌مان از سعودی‌ها و رئیس حرم شریف که همراه ما بودند، گفتیم که این اظهارات تفرقه‌انگیز بین مسلمین دلیل عدم صلاحیت این فرد برای امامت جمعه است. آنها حرف ما را تأیید کردند. رئیس حرم عذرخواهی کرد و گفت این امام جمعه فرد بی‌اطلاعی است. ساعتی بعد آقای دکتر نفیسه، وزیر هم‌راه، تلفنی گفت که مأموران به دستور مرکز مشغول رسیدگی به اظهارات او هستند و برخورد شدیدی خواهد شد و عذرخواهی کردند.